



۲۰۱۳/۰۵/۳۱

عبدالصبور صافی

از تهاجم فرهنگی ایران جلوگیری کنید!

تهاجم فرهنگی:

تهاجم فرهنگی عبارت است از تسلط بر فرهنگ یک جامعه یا به عبارت دیگر ملتی بخواهد فرهنگ رایج و غالب یک ملت را از دستش گرفته و فرهنگ خود را به آنها تحمیل کند، تا ملت مورد تهاجم گرفته شده را تحت سلطه خود آورده و بدین وسیله به آن ملت تسلط یابد و ضربان اقتصادی، سیاسی و نظامی آن را در دست خود بگیرد.

هر جامعه با داشتن فرهنگ مختص به خودش زنده است و اگر فرهنگ یک جامعه از بین می رود دیگر آن جامعه اصلاً وجود ندارد وقتی می گویم "افغان"، یعنی دارای کلتور، رسم، رواج، زبان، دین، مذهب و عنعنات مختص به خودش است، اگر چنین چیز وجود نداشته باشد دیگر نمی توان آن شخص یا ملت را "افغان" نامید.

تهاجم فرهنگی که سابقه تاریخی دارد و در زمان های مختلف کشور عزیز ما مورد تهاجمات عظیم نظامی و فرهنگی قرار گرفته و اثرات آن تا کنون در جامعه دیده می شود، قبلاً این تهاجمات با لشکرکشی ها همراه بود هر جای و منطقه که فتح می شد، جبراً مامور به پذیرفتن فرهنگ آن جامعه متهاجم مجبور می گردید، چنانچه در زمان صفوی ها در فارس هم زبان فارسی و هم مذهب شیعه صبغه سیاسی پیدا کرد و جزء هویت فارس صفوی شد، این هویت نه تنها به مردم فارس تحمیل شد بلکه به مردم همجوار خارج از سرحدات و قلمرو صفوی نیز تحمیل گردید.

در زمان «شاه عباس» مردم هزاره نشین در قسمت های مرکزی افغانستان به زور نیزه به مذهب شیعه رو آورده و زبان فارسی به جای زبان مغولی بر آنها تحمیل گردید، چون اکثر واعظان از مشهد می آمدند هزاره ها امروز هم به زبان مشهدی صحبت می کنند که آثار بسیار کمی از زبان اصلی شان (مغولی) در آنها دیده می شود، هگذا صفویان تکلم به زبان پشتو را در ساحات قندهار جرم دانسته و آنرا ممنوع کردند و متخلف را زبان می بریدند، و برعه ای از مردم پشتون قندهار هم مذهب شیعه تحمیل گردید و هم کلمات فارسی را در زبان خود شامل ساختند تا از شر صفویان خلاص و هم زبان خویش را حفظ کنند.

اما امروز دیگر آن زمان ها گذشته و با جنگ ها و لشکرکشی ها دیگر نمی توان به این مقاصد دست یافت، اکنون روش جدید و مدرن ترکه عبارت از "تهاجم فرهنگی" است به طرق و شیوه های جدید جهت رسیدن به مقاصد، اهداف و مروج ساختن فرهنگ ها بکار گرفته می شود.

اساساً "تهاجم فرهنگی" در مقایسه با تهاجم نظامی یا اقتصادی، دارای خصوصیت های خاص خود است، "تهاجم فرهنگی" معمولاً نامرئی و نامحسوس است، دراز مدت و دیر پاست، ریشه آن عمیق و همه جانبه است، حساب شده و دارای برنامه و ابزارهای وسیع و همه جانبه است، مخرب و خطرناک است. علاوه بر این ها، "تهاجم فرهنگی" همانند کار فرهنگی، یک کار آرام بی سر و صداست و قربانیان آن بیشتر قشر جوان یک جامعه می باشند.

این تهاجمات در ساحات مختلف زندگی بکار گرفته می شود و از این شیوه در نابودی فرهنگ ها استفاده صورت می گیرد:

- تحریف تاریخ یک کشور.
- تغییر در رسم الخط و زبان با مروج ساختن کلمات و اصطلاحات.
- ترویج مذهب و دین به جای دین اصلی آن ملت.
- از بین بردن میراث های فرهنگی.
- فرقه گرایی، و ترویج فساد و غیره می باشد.

فرهنگ را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

د پائو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

■ فرهنگ مادی
■ و فرهنگ معنوی

فرهنگ مادی عبارت است از تمامی آنچه که عینی و ملموس است، مانند آثار هنری و باستانی، دستاورد های صنعتی، بناهای تاریخی، رسم الخط، موسیقی و رقص و آتن و غیره.

فرهنگ معنوی عبارت است از عقاید و رسوم، علوم و معارف، ارزش ها و اندیشه ها، اخلاقیات و دانستی ها.

هكذا فرهنگ را می توان به حساب موقعیت جغرافیائی نیز به دو دسته تقسیم کرد:

■ فرهنگ شرقی است
■ و فرهنگ غربی

که این هر دو از هر لحاظ دارای خصوصیات خاص و به خصوص خود می باشند و غرب هم در کشور های مختلف به شیوه های مختلف همین اکنون مصروف ترویج رسوم، عنعنات و دین عیسویت و ارزش های غربی است.

و اما کارهای فرهنگی ایران در داخل افغانستان از ساحات روشن فکری با مروج ساختن اصطلاحاتی چون "دانشگاه"، "افغانستانی"، "راهبردی"، "چرخبال" تغییر در نام های ماه های سال چون "خرداد" و "مرداد"، و غیره و از این قبیل اصطلاحات آغاز شده و با ایجاد مراکز فرهنگی و کلتوری و کتابخانه ها که ترویج کننده این اهداف اند به پیش برده می شود، قابل یاد آوریست که جناب محترم "ولی احمد نوری" نویسنده توانای کشور بسیاری از این اصطلاحات را جمع آوری کرده و طی یک لغتنامه منظم در پورتال وزین افغان جرمن آنلاین در اختیار خوانندگان محترم و نویسندگان قرار داده است، اکنون سفارتکاران جمهوری اسلامی به پوهنتون کابل راه یافته وقتاً فوقتاً از این مرکز بزرگ علمی و فرهنگی بازدید می کنند و در این مرکز به قول رادیو آزادی کتابخانه ای بنام کرده اند. "محمد نذیر نیاز" یکی از محصلین پوهنخی اقتصاد این پوهنتون در صحبت با رادیو آزادی گفت که در این مرکز ایرانی ها هیچ نوع مواد علمی و تحقیقاتی موجود نمی باشد وی می افزاید:

« در مجموع این ها کتاب های علمی و تحقیقی که برای محصل موثر باشد ندارند، نود تا نود و پنج فیصد کتاب های شان کتاب های فرهنگی است که از طرف سفارت ایران مستقیماً تمویل می شوند وقتاً فوقتاً کارمندان این سفارت به این جا می آیند فکر می کنند که این محل ملکیت شخصی ایران است در آنجا عکس های خامنه یی و بیرق آن کشور را نصب کرده اند.»

در همین حال «اظهار الحق فضلی» یک محصل دیگر پوهنتون کابل به رادیو آزادی می گوید که مسؤولان مرکز ایرانی ها در داخل کتابخانه این پوهنتون همه اتباع ایران هستند، اظهار الحق فضلی چنین ادامه می دهد: «کتابخانه ایرانی ها در کتابخانه مرکزی پوهنتون کابل وجود دارد، به نحوی می خواهند که اهداف سیاسی و دیگر اهداف خود را به دست بیاورند. مسؤولان کتابخانه همه ایرانی ها هستند.»

بعضی از محصلین پوهنتون کابل درعین حال از موجودیت یک کتابخانه ایرانی ها در عقب پوهنخی اقتصاد این پوهنتون نیز سخن می گویند و «محمد نذیر» یکی از این محصلین است که می گوید: «در عقب پوهنخی اقتصاد آن ها (ایرانی ها) این کتابخانه را جور کرده اند و در این کتابخانه هم کتاب های کاملاً ایرانی موجود است و نوشته کرده اند، "کتاب های دانشگاهی" این مستقیماً نشان می دهد که آنها می خواهند فرهنگ خود را در افغانستان ترویج بدهند.»

ایرانی ها با استخدام آن عده افغان های که در ایران به دام انداخته اند اکتفا نکرده می خواهند با ایجاد این مراکز، نفوذ فرهنگی خود را بیشتر ساخته و روند این برنامه را تسریع سازند تا هرچه زود تر به اهداف شومی که در قبال افغانستان دارند برسند که واقعاً برای مردم افغانستان یک فاجعه خواهد بود.

پایان بخش اول

ادامه دارد

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له رالیرلو مخکې په څير و لولئ